

سوره مؤمن «غافر» (۴۰)

سوره مؤمن که «غافر» نیز نامیده شده مانند پنج سوره بعدی با حروف مقطعه «حم» آغاز می شود.

سیاق کلی سوره، بیان «جدال» تاریخی کافران با «آیات خدا» و رسولانی است که به همراه «بینات» برای هدایت انسانها فرستاده می شدند. برنامه و مأموریت رسولان نجات بندگان از عواقب «شُرک» و کفر و دعوت آنها به تقوای الهی برای ترک ظلم و ستم بوده است. اما گمراهان و ستمگران بدلیل «کبر» و نخوت از در انکار و «تکذیب» درآمده با اتکاء به علم سطحی و ظاهری خود راه مجادله با «حق» را درپیش می گرفتند و سرانجام بدلیل عواقب اعمال سوء خود دچار خسران و هلاکت می شدند.

بنابراین آنچه این سوره درصدد بیان آن است قانونمندیهایی است که به عملکرد کافران و نتیجه «جدال» آنها با آیات خدا و پیامبرانش مربوط می شود بطوریکه موضوع و کلمه «جدال» در این سوره بطور چشمگیر و غیر قابل مقایسه ای بیش از سایر سوره ها مطرح گشته و فصول مختلف سوره را مشخص کرده است.

در مقدمه: } (آیه ۴) ما يُجادلُ فی آیات الله الا الذین کفروا فلا یغیرک تقلبهم فی البلاد
(آیه ۵) کذبت قبلهم قوم نوح و الاحزاب من بعدهم و همت کل امه
برسولهم لیاخذوه و جادلوا بالباطل...

در رابطه با فرعون: آیه (۳۵) الذین یجادلون فی آیات الله بغیر سلطان اتیهم کبر مقتا عندالله ...
زمان پیامبر اسلام: آیه (۵۶) ان الذین یجادلون فی آیات الله بغیر سلطان اتیهم ان فی صدورهم
الاکبر ما هم ببالغیه فاستعذ بالله انه هو السميع البصیر.

در بیان سرنوشت نهائی مجادله } آیه (۶۹) الم تر الى الذين يجادلون في آيات الله انى يصرفون.
کنندگان (با تکذیب بینات): } آیه (۷۰) الذين كذبوا بالكتاب و بما ارسلنا به رسلنا
فسوف يعلمون.

هر چهار آیه فوق مجادله را در «آیات الله» و از ناحیه کافران یعنی کسانی که «کتاب» و معجزات رسولان را تکذیب می کردند نشان داده است. هدف از مجادله انکار وحی و نبوت و علت آن تکبر و عدم اعتقاد به روز حساب بوده است (ان فی صدورهم الاکبر... کذلک یطیع الله علی کل قلب متکبر لا یؤمن بیوم الحساب).

از همان آغاز سوره نیز شأن کتاب (قرآن) و اسماء نیکوی الهی را در ارتباط با عملکرد کافران مشخص می نماید:

«تنزیل کتاب من الله العزیز العلیم» این کتاب از جانب خداوند «عزیز» و «علیم» نازل شده و به همین دلیل اولاً هرگز در برابر مکر و کید کافران مغلوب نشده و نسبت به آنان دارای عزت و ارجمندی است، ثانیاً چون از منشأ علم الهی نازل شده در برابر اوهام و خرافات و علم ظاهری و سطحی کافران سرفراز و پیروز است و در مقابل آنها که بدون سلطان (دلیل و اتیهم...) سلطان مطلق باقی می ماند.

پس از عزت و علم الهی چهار صفت خداوند که حاکی از دو شیوه عملی او در مقابل انسانهاست آورده شده است:

۱- غافر الذنب، ۲- قابل التوب، ۳- شدید العقاب، ۴- ذی الطول.

از جهت مثبت و به دلیل «غافر الذنب» و «قابل التوب» بودن، خداوند عزیز و علیم نتیجه اعمال گناهکارانی را که بسوی او بازگردند می پوشاند و درهای رحمت او برای بازگشت کنندگان همیشه گشوده است. اما در جهت مخالف، کسانی را که از اعمال خود استغفار و توبه نکنند و در مسیر خلاف پیش بروند به شدت به عقوبت اعمال خودشان می رساند و در این راه دارای اراده ای قوی است. معنای «عقاب» مؤاخذه ای است که در عاقبت متوجه گناهکار می شود. یعنی مشیت خدا و جریان عالم به گونه ای است که هر کس دقیقاً و شدیداً به نتیجه و عاقبت کاری که مرتکب شده می رسد. بنابراین کسانی که استغفار و توبه از گناه نکرده اند، لاجرم به عاقبت «کار خود» گرفتار می شوند. همچنین خداوند «ذی الطول» است. معنای «طول» در قرآن عمدتاً در رابطه با طول عمر و طول ثروت بکار رفته است و با این توجیه بنظر می رسد نام «ذی الطول» به مسخر بودن زمان و ماده (منشأ ثروت)

برای خدا عنایت داشته باشد. یعنی علیرغم طولانی بودن عمر و ثروت کافران، خداوند فوق آنهاست و مؤمن نباید فریب دوام تسلط و طولانی بودن عمر حکومت و آمدوشد قاهرانه آنها را در شهرها بخورد:

فلا یفررک تقلبهم فی البلاد...

در سوره مؤمن مصداق عینی و تحقق این دو بُعد را در بخش مربوط به رسالت حضرت موسی (ع) به روشن ترین صورت نشان داده است؛ فرعون به عنوان سمبل و نمونه مجادله با آیات خدا و «تکذیب» رسالت موسی (ع) و «بیناتی» که به همراه داشت، و مؤمن آل فرعون، که نام سوره به یاد و افتخار او «مؤمن» گشته، به عنوان سمبل و نمونه ایمان به آیات خدا و «تصدیق» رسول او...

اگر در سوره «یس» با مؤمن آل یاسین که اول تصدیق کننده رسولان اعزام شده توسط حضرت عیسی (ع) (با نطاکیه) بود آشنا شدیم، در اینجا با مؤمن آل فرعون آشنا می شویم که قرآن سخنان بلیغ و عمیق او را در تصدیق حضرت موسی (ع) که با منتهای شهادت و شجاعت در برابر فرعون اظهار داشت بیان می کند. گویا قرآن می خواهد تجلی دو نام نیکوی «غافر الذنب و قابل التوب» را در سیمای این مؤمن خالص که سخنگوی حق در دل دشمن و در جمع مستکبران بود نشان دهد و تجلی دو نام نیکوی «شدید العقاب ذی الطول» را در سیمای فرعون بزرگترین مستکبر تاریخ به نمایش بگذارد.

مکانیسم «غفران ذنوب و قبول توبه» را که مؤمن آل فرعون در جریانش قرار می گیرد، در همان ابتدای سوره (آیات ۷ و ۸ و ۹) می خوانیم:

(الذین یحملون العرش و من حوله... و یستغفرون للذین آمنوا... فاعفّر للذین تابوا و

اتبعوا سبیلک...)

فرشتگانی که عرش را حمل می کنند (کنایه از نظام مدیریت و تدبیر امور عالم) و نیروهائی که پیرامون آن هستند، بصورت دائمی و مستمر (فعل مضارع) در حال تسبیح بحمد ربوبی و ایمان به او هستند و یکسره برای کسانی که ایمان آورده اند استغفار می کنند و...

رحمت و علم الهی همچون نور یکسره در حال تابش و جریان است. این رحمت که شامل غفران ذنوب و قبول توبه می باشد، شامل کسانی می گردد که به خدا رو کنند و ظرفیت و قابلیت جذب نور حق را پیدا نمایند:

ربنا وسعت کل شی رحمة و علما فاعفّر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب

الجحیم.

و اینک مؤمن آل فرعون که از فرعون به خدا بازگشته (تابوا) و راه او را پیروی کرده

(واتبعوا سبیلک)، مشمول رحمت و علم الهی می گردد و در معرض تابش انوار ربوبیت واقع می شود. اکنون او که متخلّق باخلاق الله و مظهر رحمت و علم شده بخاطر رحمت و دلسوزی در باریان را موعظه می کند و بخاطر علم و آگاهی سخنان هدایت کننده بلیغی ایراد می نماید که قرآن فرازهایی از آنرا نقل کرده است...

و اما روی دیگر قضیه یا «مکانیسم عذاب» در مورد کسانی که بجای حق راه باطل را در پیش می گیرند قابل بررسی است.

در ابتدای این بحث به موضع «شدید العقاب» و بعد عذاب و عقوبت کافران اشاره کردیم و اینک آیاتی را که در خلال سوره در این جهت وجود دارد یادآور می شویم.

<p>کذبت قبلهم قوم نوح والاحزاب من بعدهم و همت کل امة برسولهم لیاخذوه و جادلوا بالباطل لیدحضوا به الحق فاخذتهم فکیف کان عقاب</p> <p>کذلک حقت کلمة ربک علی الذین کفروا انهم اصحاب النار</p>	<p>آیه (۵)</p>	<p>(در مقدمه سوره): با اشاره به سنت تاریخ</p>
---	----------------	---

<p>اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین کانوا من قبلهم کانوا هم اشد منهم قوه و آثاراً فی الارض فاخذهم الله بذنوبهم و ما کان لهم من الله من واق</p> <p>ذلک بانهم کانت تأتیهم رسلهم بالبینات فکفروا فاخذهم الله انه قوی شدید العقاب</p>	<p>آیه (۲۱)</p>	<p>(در مقدمه داستان موسی و فرعون) با ذکر نمونه مهم</p>
---	-----------------	--

<p>فوقیه الله سیئات ما مکروا و حاق بال فرعون سوء العذاب النار یعرضون علیها و یوم تقوم الساعة ادخلوا ال فرعون اشد العذاب</p>	<p>آیه (۴۵)</p>	<p>(در پایان داستان موسی و فرعون)</p>
---	-----------------	---------------------------------------

<p>... فاذا جاء امر الله قضی بالحق و خسر هنالک المبطلون فلما جاءتهم رسلهم بالبینات فرحوا بما عندهم من العلم و حاق بهم ما کانوا به یتستزون</p> <p>... سنت الله التي قد خلعت فی عباده و خسر هنالک المبطلون</p>	<p>آیه (۷۸)</p>	<p>در نتایج انتهائی سوره</p>
<p>آیه (۸۳)</p>		

برخی پیام‌ها

پیامهائی که در رابطه با جریان تاریخی جدال کافران با آیات خدا و تکذیب رسولان وجود دارد بسیار آموزنده است، ذیلاً به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- صبر در راه تحقق وعده‌های خدا

در این سوره ۲ بار دستور «صبر» در برابر تکذیب کافران به رسول اکرم داده شده است:^۱
آیه (۵۵) فاصبران وعدالله حق و استغفر لذنبک و سبح بحمد ربک بالعشی والابکار
آیه (۷۷) فاصبران وعدالله حق فاما نریئک بعض الذی نعدهم او نتوفینک فالینا یرجعون.
هر دو آیه به دنبال آیاتی آمده است که از عذاب کافران مستکبر در جهنم یاد می‌کند، حال که سرانجام تکذیب‌کنندگان چنین است، رسول اکرم باید برای تحقق وعده‌های الهی که یک طرفش نصرت رسولان و مؤمنین و طرف دیگرش شکست کافران و عذاب آنها است صبر و پایداری نماید. اولاً به هیچ وجه از پیروزی حق ناامید نشده و از ذنوب خود در مسیر رسالت استغفار نماید.^۲ ثانیاً انتظار پیروزی و مشاهده شکست فوری کافران را، حتی در حیات خود، نداشته باشند.

۲- قانونمندی نصرت رسولان و مؤمنین

پیام امیدوار کننده مهمی که در این سوره وجود دارد، وعده قطعی یاری رسولان و مؤمنین در دنیا و آخرت می‌باشد:

آیه (۵۱) انا لننصر رسولنا والذین آمنوا فی الحیوه الدنیا و یوم یقوم الاشهاد
این آیه که با تاکید مضاعف «ان» و «لام» (لننصر) و بکاربردن دوبار ضمیر (انا لننصر) آغاز شده، حتمیت و قطعیت این وعده را تصریح می‌نماید.^۳ نه تنها رسولان، که مؤمنین را، و نه تنها در آخرت، که در دنیا نیز!...

۱. همانطور که در مقدمه گفتیم سوره‌های دارای حروف مقطعه مستقیماً خطاب به حضرت رسول می‌باشد.

۲. چرا که اعمال مقربین در ترازوی دقیقتری سنجیده می‌شود و همین تردید لحظه‌ای به پیروزی قطعی برای پیامبر ذنبی محسوب می‌شود. چنانچه در سوره بقره می‌فرماید: مستهم الباساء والضراء و زلزوا حتی یقول الرسول والذین آمنوا معه متی نصرالله الا ان نصرالله قریب - بقره (۲۱۴).

۳. آیه چهارم این سوره (ما یجادل فی آیات الله الا الذین کفروا فلا یرجروک تقلبهم فی البلاد) پیام امیدوار کننده‌ای است به رسول اکرم که تلاشها و تحریکات کافران در شهرها بجائی نمی‌رسد.

۳- عبرت‌گیری از تاریخ

در این سوره دوبار برای آگاهی پیدا کردن از سرنوشت امت‌های پیشین و درک سنت‌های تاریخ توصیه به «سیر در زمین» شده است. این دو آیه که با مختصری تفاوت همانند یکدیگر هستند، با دو نتیجه مختلف: ۱- گرفتار مؤاخذه الهی شدن، ۲- به خودکفائی نرسیدن، خاتمه پیدا می‌کند.

آیه (۲۱) او لم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین کانوا من قبلهم کانوا هم اشد منهم قوه و آثاراً فی الارض فاخذهم الله بذنوبهم و ما کان لهم من الله من واق.

آیه (۸۲) اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین کانوا من قبلهم کانوا اکثر منهم و اشد قوه و آثاراً فی الارض فما اغنی عنهم ما کانوا یکسبون.

سیر و سیاحت در جهان و مطالعه سرنوشت ملت‌ها این دو حقیقت را آشکار می‌سازد که اولاً همه ملت‌هایی که به شرک گرائیدند منقرض و هلاک شدند، ثانیاً هیچ ملتی نتوانسته است (با اتکاء به قدرت و ثروت یا علم و صنعت) بی‌نیاز از خدا و معنویات گردد.

این همان سنت همیشگی خداوند است که در میان بندگان حاکم ساخته است:

آیه ۸۵ - (آخرین آیه)... سنت الله التي قد خلت فی عباده و خسر هنالک الکافرون

۴- پناه بردن به خدا

در جریان تاریخی نبرد حق و باطل، تنها تکیه‌گاه موحدین در برابر حملات و تهدیدات مشرکین خدا است که شنوای دعای مؤمنان و بینای احوال آنان است. این رهنمودی است که از کلام موسی (ع) در برابر تهدیدات فرعون و سخنان کوبنده مؤمن آل فرعون پس از اعلام موضع صریحش در مقابل درباریان دریافت می‌کنیم:

آیه ۲۵ و ۲۶ (و قال فرعون ذرونی اقتل موسی... و قال موسی انی عذت بریبی و ربکم من

کل متکبر لایومن بیوم الحساب)

آیه ۴۴ و ۴۵ (... و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد. فوقیه الله سیئات ما مکروا و

حاق بآل فرعون سوء العذاب.)

و با نتیجه‌گیری از چنین موضعی است که خداوند به آخرین پیامبرش در برابر مستکبرینی که با آیات خدا مجادله می‌کنند توصیه می‌نماید: «فاستعذ بالله انه هو السميع البصیر».

هدایت به راه رشد

چنین نیست که تنها پیامبران الهی به مردم راه رشد و هدایت را بنمایانند، مستکبرین نیز چنین ادعائی دارند و همواره خود را ناصح و خیرخواه مردم معرفی می نمایند. مگر فرعون نبود که در پاسخ آن مؤمن تصدیق کننده موسی، خود را خیرخواه و هدایت گر مردم بسوی راه رشد معرفی می کرد؟ (قال فرعون ما اریکم الا ما اری و ما اهدیکم الا سبیل الرشاد). و این پیام وحی است که در جریان مبارزه حق و باطل مؤمنین نباید فریب تبلیغات - دغلكارانہ مستکبرین را بخورند.

کلمات کلیدی

مطالعه متمرکز روی کلماتی که در هر سوره به نسبت بالائی بکار رفته است، کمک شایانی به فهم مقاصد و محورهای آن سوره می نماید. اصولاً بررسی آماری ترکیب و تعداد کلمات متشکله هر سوره راه ساده‌ای برای مقایسه سوره‌ها با یکدیگر و تشخیص کلمات کلیدی آنها می باشد.

کلماتی که بطور کلیدی در سوره مؤمن بکار رفته است در رابطه با محور اصلی سوره که همان جریان تاریخی جدال کافران با آیات الهی و تکذیب رسولان می باشد، قرار دارد. این کلمات را بر حسب تعلقی که به یکی از دو جناح مؤمن یا کافر دارند، به دو دسته تقسیم می کنیم. در اینجا به اختصار تنها به خود کلمات اشاره کرده بررسی دقیقتر روی آیات را به خواننده واگذار می کنیم.

الف - کلمات مرتبط با جناح مؤمن

۱- مؤمن - از آنجائی که نام این سوره مؤمن است و داستان مؤمن آل فرعون در آن به تفصیل بیان شده، بحث «ایمان» از مباحث زیربنائی سوره می باشد. بطوریکه مشتقات کلمه «ایمان» ۱۷ بار در آیات مختلف آن تکرار شده است که با توجه به حجم سوره رقم قابل توجهی می باشد. (آیات ۷-۱۰-۱۲-۲۵-۲۷-۲۸-۳۰-۳۵-۴۰-۵۱-۵۸-۵۹-۸۴ و ۸۵)

۲- دعا - در این سوره به تناسب نامش، مشتقات کلمه «دعا» بیش از بقیه سوره‌های قرآن بکار رفته است (۱۸ بار). منظور از دعا، دعوت کسی یا خواندن چیزی و به سوی او رفتن است. خدا انسان را بسوی ایمان «دعوت» می کند ولی او کفر می ورزد و بجای خدای یکتا متوجه انواع شرک می گردد. در آیاتی که در این زمینه در سوره مؤمن وارد شده، هشدار داده می شود که هیچ چیز در این عالم بجز «الله» اصالت و قابلیت «دعا» ندارد و انسان هرآنچه

بجز خدا بخواند به پوچی و سراب خواهد رسید. البته دعا (خواستن) باید خالصانه و به دور از پیرایه‌های شرک باشد و گرنه بدلیل شرک و ناسپاسی بی نتیجه و در گمراهی است (آیات ۱۰-۱۲-۱۴-۲۰-۲۶-۴۱-۴۲-۴۳-۴۹-۵۰-۶۰-۶۵-۶۶-۷۴)

نکته قابل توجه اینکه در ۹ آیه (۴۱ تا ۵۰) این سوره ۹ بار مشتقات کلمه دعا بطور متمرکز بکار رفته است که در قرآن بی نظیر می باشد.

۳- عبادت - موضوع «عبادت» مستقیماً در رابطه با «دعوت» قرار دارد و به عبارت دیگر نتیجه و محصول آن است. دعوت انگیزه و مقدمه است و عبادت پذیرائی و خدمت. در این سوره ۴ بار کلمه «عباد» بکار رفته است و ۲ بار عبادت (بصورت فعل). ذیلاً ۲ موردی را که درباره عبادت است بدلیل ارتباط با «دعوت» نقل می نمایم:

آیه (۶۰) - و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یتسکبرون عن عبادتی سید خلون جهنم داخرین.

آیه (۶۶) - قل انی نهیت ان اعبد الذین تدعون من دون الله و امرت ان اسلم لرب العالمین.

۴- حق - در سوره مؤمن جمعاً ۸ بار کلمه حق تکرار شده است که رقم بسیار قابل توجهی می باشد. منظور از «حق» در این سوره راست بودن و تحقق قطعی وعده خدا، قضای خدا و عذاب او است. به مجموعه کتاب و بیانات و آنچه مورد تکذیب کافران بوده نیز حق گفته شده است. همچنین به راستی و عدالت و آنچه موافق موازین و معیارهای الهی و هدفدار و مغایر «باطل» است (آیات ۵-۶-۲۰-۲۵-۵۵-۷۵-۷۷-۷۸)

۵- رسالت - معمولاً سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می گردند، مشتمل بر داستان رسولان الهی و جریان تاریخی موضعگیری کافران ذر برابر رسالت‌های آنها می باشند. همانطور که گفته شد این سوره‌ها عمدتاً شخص پیامبر (ص) را مستقیماً مخاطب قرار داده است. بنابراین نقل تجربه آنها در تبلیغ رسالت‌های الهی و توصیف صبر و صداقت و خصلت‌های ممتاز آنها در این مسیر، برای رسول اکرم باعث تقویت قلب و تثبیت قدم می شده است. در این سوره نیز از آنجائیکه بیش از سایر سوره‌ها موضوع «جدال» کافران مطرح گشته، مسئله رسالت بطور کلیدی موضوعیت پیدا کرده و جمعاً ۱۲ مورد مشتقات رسالت در آن بکار رفته است (آیات ۵-۲۲-۲۳-۵۰-۵۱-۷۰-۷۸ و ۸۳)

۶- بینات - پس از سوره بقره که ۹ بار کلمه بینات در آن بکار رفته است، سوره مؤمن با ۶ بار کاربرد این کلمه در ردیف دوم قرار دارد. البته اگر حجم دو سوره را با یکدیگر مقایسه کنیم (که نسبت حداقل ۱/۵ دارد) به اهمیت نسبی سوره مؤمن در این مورد پی می بریم. کلمه «بینات» در ارتباط با رسالت قرار دارد و منظور از آن کتاب و معجزاتی است که

پیامبران الهی حامل آن بودند. (آیات ۲۲-۲۸-۳۴-۵۰-۶۶ و ۸۳)

۷- آیات- از ۱۰ موردی که کلمه «آیات» در این سوره بکار رفته (که رقم چشمگیری است) ۴ مورد آن در رابطه با جدال است (بجادلون فی آیاتنا) و یکبار انکار و جحد آن (آیه ۶۳) که در این ۵ مورد منظور از آیات ظاهراً «کتاب» است. در ۲ مورد دیگر (آیات ۲۳ و ۷۸) بنظر می رسد منظور معجزه پیامبران باشد. و بالاخره در دو آیه دیگر (۱۳ و ۸۱) که با جمله «ویریکم آیاته» شروع می شود گویا منظور آیات تکوینی در طبیعت باشد (والله اعلم).

* * *

ب- کلمات مرتبط با جناح کافران

در این مورد به چند کلمه که نقش کلیدی در سوره مؤمن داشته و در ارتباط با موضعگیری و اعمال کافران قرار می گیرد اشاره می کنیم. مهمترین این کلمات عبارتند از: کفر، کبر، کذب، ضلالت، مقت، عقاب و... که بترتیب آنها را نقل می نمائیم:

۱- کفر- همانطور که گفته شد، محور اصلی این سوره بیان جدال «کافران» با آیات خدا و تکذیب رسولان می باشد. بنابراین مسئله کفر و نقش کافران از موضوعات مهم قابل بررسی سوره می باشد. مفهوم کفر در قرآن بعضاً در مقابل شکر قرار دارد و بمعنای ناسپاسی و کفران می باشد. اما در این سوره عمدتاً در مقابل ایمان قرار دارد و به معنای انکار توحید و نبوت و آخرت می باشد و بیشتر با «شرک» ترکیب گردیده است. یعنی انکار توحید و گرایش به شرک خود کفری آشکار است. آیات مشتمل بر این کلمه که ۱۲ بار در سوره مؤمن بکار رفته عبارتند از: (آیات ۶-۱۰-۱۲-۱۴-۲۲-۲۵-۴۲-۵۰-۷۴-۸۴ و ۸۵)

۲- کبر- عامل اصلی کفر عمدتاً «کبر» و خود بزرگ بینی است که مانع ایمان و تسلیم به حق می گردد. وقتی انسان خود را بالاتر از دیگران تصور کرد نمی تواند در شرایط مساوی با مردم زندگی کند و تسلیم اصول پذیرفته شده دینی یا قانونی و ملی گردد. در این سوره ۱۱ مرتبه مشتقات این کلمه تکرار شده است که ۴ مورد آن اشاره به عظمت و بزرگی پروردگار عالم دارد و ۷ مورد دیگر تماماً ناظر به کبر مستکبرین است: (آیات ۱۰-۱۲-۲۷-۳۵-۴۷-۴۸-۵۶-۵۷-۶۰ و ۷۶)

۳- کذب- نتیجه مستقیم کفر و کبر، کذب و تکذیب است که باهم خویشاوندی دارند. کافر بخاطر تکبری که دارد آیات و بینات را تکذیب می کند و آنها را به تمسخر و استهزاء می گیرد. در این رابطه ۶ بار مشتقات کذب در سوره مؤمن بکار رفته است. (آیات ۵-۲۴-۲۸-۳۷ و ۷۰)

۴- ضلالت- محصول «کفر و کبر و کذب» ضلالت است. همچنانکه محصول «ایمان و تسلیم و تصدیق»، هدایت می باشد. معنای ضلالت تنها گمراه شدن نیست، بلکه به نتیجه نرسیدن و تباہ و باطل شدن نیز عین ضلالت است، کما آنکه در این سوره کید کافران و دعای آنها را در ضلالت معرفی می نماید، یعنی طرح ها و نقشه ها و خواسته های آنها از آنجائیکه پیوندی با حق ندارد به پوچی و تباہی می رسد. گوئی گم می شود و ازدست می رود. آیه (۲۵) وما کید الکافرین الا فی ضلال (۵۰) و ما دعاء الکافرین الا فی ضلال

از آنجائی که تدابیر و خواسته هایشان عین گمراهی است، بطور طبیعی به گمراهی و پوچی می رسند. بنابراین اگر گفته می شود خدا آنها را گمراه می کند! چنین نیست که با آنها خصومت داشته باشد، بلکه مشیتش به گونه ای است که هر کس به نتیجه مکتسبات خودش می رسد. درست مثل اینکه بگوئیم معلم گروهی از شاگردان را قبول و گروهی را رد می کند، از این مثال آیا به ذهن کسی خطور می کند معلم جز براساس ضوابط و مقررات مدرسه قبولی یا رفوزگی شاگردان را رقم زده باشد؟!... و اینک به نمونه هائی در مورد خداوند توجه نمائید:

آیه (۳۳) و من یضلل الله فماله من هاد (در مورد تکذیب کنندگان انبیاء)

آیه (۳۴) کذلک یضل الله من هو مسرف کذاب (در مورد تکذیب کنندگان یوسف (ع))

آیه (۷۴) کذلک یضل الله الکافرین (نتیجه شرک)

۵- ظلم- اگر انسان از هدایت به احسان به مردم می رسد، از ضلالت به ظلم و ستم به آنها کشیده می شود. وقتی چراغ هدایت ازدست رفت و تاریکی های هوی و هوس بر نفس چیره شد، طبیعی ترین نتیجه آن ظلم و تجاوز به حقوق دیگران می باشد و به همین دلیل در رابطه با کلمات فوق مسئله «ظلم» نیز در ۴ آیه این سوره مطرح می گردد (آیات ۱۷-۱۸-۳۱-۵۲)

۶- مَقْتٌ- وقتی کفر و کبر و کذب توأم شد گمراهی بیار می آورد و به ظلم و ستم کشیده می شود. اینجاست که «مقت» خدا دمار از روزگار جرثومه های فساد درمی آورد. (در این سوره ۳ بار کلمه مقت بکار رفته که بیش از سایر سوره ها می باشد).

آیه (۱۰) ان الذین کفروا نیادون لمقت الله اکبر من مقتکم انفسکم اذ تدعون الی الایمان فتکفرون

آیه (۳۵) ان الذین یجادون فی آیات الله بغير سلطان اتیهم کبر مقتا عند الله و عند الذین آمنوا کذلک یطبع الله علی کل قلب متکبر جبار

۷- اخذ به عذاب و عقاب- وقتی «مقت» خدا بر قومی تعلق گرفت بدلیل همان

اعمالی که بر شمرده شد، عقاب الهی دامنگیر می شود:

آیه (۳) غافر الذنب قابل التوب شدید العقاب ذی الطول

آیه (۵) کذبت قبلهم قوم نوح والاحزاب من بعدهم... فاخذتهم فكيف كان عقاب

آیه (۲۱) اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین کانوا... فاخذهم الله

بذنوبهم و ما کان لهم من الله من واق

آیه (۲۲) ذلک بانهم كانت تأتیهم رسلهم بالبینات فكفروا فاخذهم الله انه قوی شدید

العقاب

ارتباط با سوره های قبل (در موضوع توحید)

سوره مؤمن از جهات زیادی با سوره های قبل از خود ارتباط دارد که این امر نشان دهنده پیوند و هماهنگی سوره هائی است که پشت سرهم قرار گرفته اند. از جمله می توان به موضوع اخلاص، توحید و شرک اشاره کرد که به خصوص محورهای ۳ سوره گذشته را تشکیل می دادند.

آیه (۱۴) فادعوا الله مخلصین له الدین و لو کره الکافرون

در مورد اخلاص } آیه (۶۵) هو الحی لاله الا هو فادعوه مخلصین له الدین الحمد لله رب العالمین.

آیه (۱۲) ذلکم بانه اذا دعی الله وحده کفرتم و ان یشرک به تؤمنوا

در مورد توحید } آیه (۸۴) فلما رأوا بأسنا قالوا امنا بالله وحده و کفرنا بما کنّا به مشرکین

۱ . مقایسه کنید با سوره های: صفات: آیات ۴۰- ۷۴- ۱۲۸- ۱۶۰- ۱۶۹ تماماً (الاعباد الله المخلصین)

ص آیه (۴۶) انا اخلصنا هم بخالصه ذکرى الدار

آیه (۸۳) ... الا عبادک منهم المخلصین

زمر آیات (۲-۳-۱۱ و ۱۴)

فاعبد الله مخلصا له الدین - الله الدین الخالص - قل الله اعبد مخلصا له دینی

۲ . مقایسه با سوره های: صفات آیه (۴) ان الهکم لواحد ...

ص آیه (۵) اجعل الالهة الواحدة ان هذا الشی عجاب

آیه (۶۵) ... و ما من اله الا الله الواحد القهار

زمر آیه (۴) سبحانه هو الله الواحد القهار

آیه (۴۵) و اذا ذکر الله وحده اشمازت قلوب الذین لا یؤمنون بالآخره

به این ترتیب می توان گفت ۴ سوره: صافات، ص، زمر و مؤمن در موضوع توحید اشتراک دارند.

مسئله «توحید» موضوع اساسی سوره مؤمن را تشکیل می دهد و حدود ۳۰٪ آیات آن بطور مستقیم به تبیین این امر اختصاص یافته است.^۱ در این سری آیات به وحدانیت خدا، نفی شرک و آلهه، اخلاص در دین، انحصار رزق و قضا برای او، عرض، ربوبیت عمومی و... اشاره شده است که ذیلاً برخی از آنها را نقل می نمائیم:

آیه (۳) ... لا اله الا هو اله المصیر آیه (۶۲) ذلکم الله ربکم خالق کل شیء لا اله الا هو فانی تؤفکون آیه (۶۳) « فتبارک الله رب العالمین آیه (۶۴) هو الحی لا اله الا هو فادعوه مخلصین له الدین الحمد لله رب العالمین.	}	درمورد نفی الهه
---	---	-----------------

در بسیاری از آیات جلوه هائی از ربوبیت پروردگار عالم را برای مشرکین که علی رغم اعتقاد به «الله» منکر تدبیر و ربوبیت الهی بودند بیان می نماید از جمله در نزول باران از آسمان (آیه ۱۳)، خلقت (آیات ۱۷-۶۲-۶۷)، جعل شب و روز (۶۱)، احیاء و امامت (۶۸)، جعل انعام برای استفاده آدمیان (۷۹ و ۸۰) و... اوج پیامهای توحیدی این سوره را در آیات ۶۱ تا ۶۸ مشاهده می کنیم که چند بار بر مقام ربوبیت الهی تأکید شده است:

الله الذی جعل لکم... ذلکم الله ربکم خالق کل شیء لا اله الا هو... الله الذی جعل لکم...
 ذلکم الله ربکم فتبارک الله رب العالمین هو الحی لا اله الا هو فادعوه مخلصین له الدین الحمد لله رب العالمین. قل انی نهیت ان اعبد الذین تدعون من دون الله... و امرت ان اسلم لرب العالمین

نکته آموزنده ای که در این پیام های بلیغ توحیدی وجود دارد مراتب جهل، نسیان، ناباوری و قدرناشناسی اکثر انسانها در مقابل این حقایق است:

- | | |
|---|-----------|
| آیه (۵۷) ... و لکن اکثر الناس لا یعلمون | (نادانی) |
| آیه (۵۸) ... قلیلاً ما تتذکرون | (نسیان) |
| آیه (۵۹) ... و لکن اکثر الناس لا یؤمنون | (ناباوری) |
| آیه (۶۱) ... و لکن اکثر الناس لا یشکرون | (ناشکری) |

آخرت - پس از توحید، مسئله آخرت در قالب کلماتی مثل: نار (۸ بار)، جهنم، جحیم، عذاب، تکرار شده است و جالب اینکه «یوم» در ترکیب با کلماتی مثل: یوم تقوم

۱. از جمله آیات ۳-۱۲ تا ۱۵-۲۰-۴۲-۴۳-۵۷-۶۸ تا ۷۳-۷۴-۷۹ تا ۸۱-۸۴

الساعه، يوم التلاق، يوم الازفة، يوم هم بارزون، يوم يقوم الاشهاد، يوم لاينفع الظالمين معذرتهم، يوم الحساب، يوم التناد، يوم الاحزاب... و يا بصورت معرفه و كلى «اليوم» ۱۴ بار در اين سوره بكار رفته است كه از تمامى سوره‌هاى قرآن بيشتتر است. منظور از «يوم» مرحله و زمانى است كه ساعت برپا مى شود و به حساب انسانها رسيدگى مى گردد.

همچنان كه در مسئله توحيد گفتيم، بين اين سوره با سوره‌هاى قبل هماهنگى و پيوندى وجود دارد. در موضوع «روز آخر» نيز چنين است. اگر بخاطر داشته باشيد، كلمه «قيامت» نيز در سوره قبل (زمر) از بقيه سوره‌هاى قرآن بيشتتر بكار رفته است.

بطور كلى آيات مربوط به حيات پس از مرگ (آخرت). كه بطور مستقيم يا غير مستقيم به اين امر ارتباط داشته باشد، بيش از يك سوم آيات سوره را تشكيل مى دهد. در بخشى از اين آيات وضع مستكبرين را در جهنم مجسم مى سازد و مخاصمه آنها را با مستضعفين (تابعين و متبعين يا مقلدين و پيشوايان) نقل مى نمايد (آيات ۱۶ تا ۲۰) و در بخشى ديگر (۷۱ تا ۷۶) هولناك ترين مناظر جهنم را براى هشدار دادن به مجادله كنندگان با آيات خدا و تكذيب كنندگان رسولان تصوير مى نمايد:

آهنگ كلمات

سوره مؤمن از ۸۵ آيه تشكيل شده است كه انتهاي آخرين كلمه آنها باهشت حرف مختلف ختم مى شود. بيشتترين آن حرف «ن» است كه ۳۲ آيه با آن ختم شده (بخصوص ۲۹ آيه آخر سوره بطور پيوسته). پس از آن حرف «ر» و «ب» قرار دارند. هر كدام با ۱۷ بار تكرر و در ردیف بعد «د» (۸ آيه)، «م» (۵ آيه)، «ل» (۳ آيه)، «ق» (۲ آيه)، «ع» (۱ آيه) قرار دارند.

اسماء الهی

در سپوره مؤمن نام جلاله «الله» ۵۳ بار به كار رفته است كه بطور متوسط با توجه به تعداد ۷۹۶ كلمه سوره بازای هر ۱۵ كلمه يكبار نام الله تكرر شده است كه اين نسبت در مقايسه با سوره‌هاى قرآن در ردیف چهاردهم (بطور نسبى) قرار دارد. پس از آن نام رب (مضاف اليه يا با ضمير) است كه ۱۹ بار تكرر شده است. از اسماء الحسنی: عزيز و بصير (هر كدام ۳ بار)، سمیع و شديد العقاب (هر كدام ۲ بار)، قابل التوب - ذی الطول - حكيم - على - كبير - واحد - قهار - سريع الحساب - غافر - غفار - علیم - قوی - خالق (هر كدام يك بار) بكار رفته است.